

عرفان و حیانی

در اندیشه علامه طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ

تألیف

محمد جواد رودگر



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴

سرشناسه: رودگر کوهر، محمدجواد، ۱۳۴۲-

عنوان و نام پدیدآور: عرفان وحیانی در اندیشه علامه طباطبائی (چاپ) / تألیف محمدجواد رودگر.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.

شابک: 978-964-00-1772-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر.

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۷.

یادداشت: نمایه.

شماره کتایشناسی ملی: ۳۷۷۳۷۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۷۷۲-۲



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میلان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵۴۱۹۱

عرفان وحیانی در اندیشه علامه طباطبائی (چاپ)

© حق چاپ: ۱۳۹۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

مؤلف: محمدجواد رودگر

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: میترا ۱۴

چاپ و صحافی: اسبید، تلفن: ۸۸۸۴۲۷۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۸۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۷		مقدمه
۱۳		عرفان در المیزان
۱۳		معانی و مبانی عرفان
۱۶		چیستی عرفان
۲۰		راز و رمز عرفان حقیقی
۳۰		عناصر عرفان و حیانی
۳۳		اشاراتی در موضوع عرفان و حیانی
۳۳		اشارت اول
۳۳		اشارت دوم
۳۴		اشارت سوم
۳۷		اشارت چهارم
۳۸		اشارت پنجم
۴۰		غایت عرفان و حیانی
۴۰		نتیجه‌گیری
۴۳		علامه طباطبایی و عرفان شیعی
۴۶		عرفان و عارف
۵۲		مؤلفه‌های عرفان شیعی
۵۲		۱. شهود ملکوت
۶۳		۲. ولایت‌گرایی

۶۷	۳. تکامل و تکلیف
۷۵	مراتب تکلیف
۷۷	۴. ریاضت مشروع
۸۱	۵. عبودیت محوری
۸۴	نتیجه‌گیری
۸۵	مبانی عقلی عرفان عملی
۹۱	مبنای اول: امکان راه‌یابی به ملکوت
۹۶	مبنای دوم: معرفت نفس شهودی
۱۱۰	مبنای سوم: ولایت در درون و ولایت بر برون
۱۱۸	نتیجه‌گیری
۱۱۹	ولایت‌شناسی
۱۲۴	ضرورت ولایت‌شناسی
۱۳۶	نتیجه‌گیری
۱۳۷	امکان راه‌یابی به مقام ولایت
۱۴۰	چیستی ولایت
۱۵۱	سیر در عوالم وجود
۱۵۴	عرفان به نفس راهی به ملکوت
۱۶۲	مراقبت نفس شاه کلید ولایت
۱۶۴	نتیجه‌گیری
۱۶۷	کتابنامه
۱۷۱	نمایه

مقدمه

عرفان اصیل اسلامی عرفانی است که مستقیماً و مستقلاً از متن قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عترت طاهره اش علیهم السلام استنباط، اصطیاد، استخراج و تبیین شده باشد بدون تردید آموزه‌های وحیانی پاسخگوی همه نیازهای انسان از جمله نیاز معنوی و برآورنده انتظار آدمی در همه ساحت‌های وجودی‌اش، از جمله ساحت سلوکی و عرفانی می‌باشد، لکن مردان خدایی چون علامه طباطبایی می‌طلبند که هم قرآن شناس و هم عترت شناس‌اند تا بتوانند عرفان حقیقی را از منبع زلال وحی شکار و اشکار کنند.

علامه طباطبایی از جمله کسانی است که با اشراف و اطلاع کامل از عرفان معهود و تاریخی، عرفان را از دل منابع اصیل شیعی استخراج و اصطیاد کرده است؛ ایشان بدون آنکه دست به تفسیرها و استحسان‌ها و تأویلات و تطبیقات خاصی بزنند و گرفتار راه و روش صوفیانه و باطنیه و تأویل‌گرایان شود با تکیه بر ظواهر قرآن و سنت و فهم لایه‌های باطنی‌تر آیات و احادیث و درک و دریافت آداب و اسرار شریعت به رابطه دیالکتیکی گفتمان ظاهر و باطن، عبارت و اشارت، لطافت و حقیقت و جهان‌های تودرتوی معارف وحیانی پرداخته و توانسته است «عرفان ناب اسلامی» را ارائه دهد یا نشانه‌ها و مقدماتی را فراهم سازد، نه اینکه عرفان موجود را

بازسازی و غنی‌سازی کرده و اصالت را به عرفان موجود داده باشد، بلکه اصالت را به قرآن و عترت داده و عرفان را از چنین منابع زلالی کشف نماید و عرفان موجود را در پرتو آموزه‌های قرآنی و سنت و سیره نبوی و اهل‌بیتی تفسیر، نقد و تحلیل نماید. در عین حال ارزش معرفتی و کارکردی عرفان موجود را نیز زیر سؤال نبرده و به محاق و انزوا نکشاند.

در واقع علامه طباطبائی با داشتن روح و روحیه قرآنی و مشرب و منهج اهل‌مجتبی عرفان شیعی را فراروی بشریت نهاد و توحید و ولایت را بر متن‌های متین، زلال و معصوم و مَصون از خطا و لغزش‌های وحیانی استوار ساخت و در واقع می‌توان گفت علامه طباطبائی سیر طبیعی تکامل علمی و عملی خویش را نیز به خوبی طی کرد و شاگرد مکتب قرآن، برهان و عرفان شد و در سه مدرسه یاد شده یعنی ۱. مدرسه قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۲. مدرسه برهان و عقل قطعی، ۳. مدرسه عرفان و شهود شریعت‌مدارانه رشد و بالندگی یافت.

بنابراین علامه طباطبائی تولد و تکامل عرفان را از دل وحی قرآنی و بیانی به نظاره نشست و در سیر تکاملی معنویت ناب اسلامی، تکامل انسانیت و سلوک صادق وجودی اخلاق و نفس در فضای فضائل اخلاقی و سجایای اخلاقی را زیربنای تکامل عرفان و تعالی علمی و عملی می‌دانستند و عرفان را در مسیر اخلاق جستجو می‌کرد تا توانست عرفان حقیقی و پایدار یا اصیل و مستقل را از سرچشمه‌های زلال وحی قرآنی و بیانی دریافت یا کشف نماید و اصالت تفکر و معرفت عرفانی را در قرآن و نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و ادعیه حیات‌بخش و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام اثبات و تبیین نماید. علامه، حکیمی الهی و مفسری جامع‌اندیش است که با عرفان از حیث نظری و عملی آشنایی کامل داشت و عرفان در مکتب وحی را با همه وجودش درک و دریافت نمود، و سلوک

معرفتی - معنوبیتی اش را در پرتو شریعت حقّه محمدیه صلی الله علیه و آله به معنای عام جستجو نمود. او سیر آنفُسی و آفاقی را در تکامل علمی و عملی به انجام رساند و بر عرفای معهود تاریخی تسلط کامل داشت و در عرفان عملی و سیر و سلوک نیز ریاضت‌های معقول و مشروع و مجاهدت‌های مستمر را متحمل شد تا باب‌هایی از جهان غیب و غیب جهان به روی او گشوده گشت و وجودش یک وجود معنوی شده و توانست در ناحیه «عقلانیت و عرفان» و معرفت و محبت در صراط عبودیت و اخلاص گام نهد و ملکوت عالم و عالم ملکوت را درک نماید و به فتوحات غیبی نائل آید و از رهگذر معرفت نفس در پرتو قرآن و عترت به معرفت ربّ چنگ زند و اجتهاد فکری - عقلی را با عرفان علمی و عملی در هم آمیزد و آمیزه‌ای از ره‌آوردهای قرآن، برهان و عرفان گردد. او ترکیبی از سوز و گداز دلسوختگان و پختگان ساحت سلوک و اخلاق و عرفان بود تا توانست عرفان اصیل را با عقل راسخ و خرد میخانه‌ای و با فرزاندگی و فناشدگی در اسمای حسنای الهی و تجربه عالم الهی نشان داده و نشانی‌هایش را فرازروی تشنگان وادی سلوک راستین و عطش‌ناکان منزل معرفت و محبت قرار دهد.

عرفان علامه، بیش از آنکه رنگ و بوی صوفیانه و ملل و نحل مشارب عرفانی اساطین فن عرفان داشته باشد، عرفانی علوی و اهل بیته، یا عرفان ناب شیعی است. عرفان قرآنی و ولایی است که در سنت و سیره قولی، فعلی، بیانی و بنانی اش متجلی شده است و از این رهگذر، سرچشمه‌های زلال عرفان ناب اسلامی را باید در اندیشه، اشراق، قلم، قدم، قول و فعل علامه جستجو کرد و او را الگوی تمام عیار عرفان ولایی و اُسوه کم‌بیدل عرفان ناب نبوی و علوی دانست که مشرب خاص عرفانی را احیا کرد و از

۱. علامه طباطبائی رحمته الله علیه بر آن بود که عرفان صحیح و برهان کامل در خدمت قرآنند و هرگز

عرفان صحیح از قرآن جدا نیست...

معرفت نفس تا شریعت محوری و نیل به مقام ولایت را براساس و استوانه‌های سنگین و وزین قرآنی، سنت و سیره نبوی و علوی استوار ساخت. از سوی دیگر به دنبال اثبات این فرضیه است که تنها عرفان کامل و سعادت بخش و کمال آور، عرفان و حیانی یا عرفان اهل بیته و ولایی یا عرفان علوی است و لا غیر، و چنین عرفانی، در باطن دین و شریعت منطوقی و مندرج است و راه نیل به عرفان تنها در سایه سار شجره طیبه دین و شاخسار تنومند و پرثمر شریعت مبین و کامل اسلام ناب ممکن است که آن هم ریشه در فطرت و جان آدمی دارد و از درون خود انسان عبور می نماید.

به هر حال، علامه طباطبائی رحمته الله، عرفان ناب اسلامی را از عرفان‌های بشری و تحریف شده و یکسویه جدا ساخته، نقد می کند^۱ و می فرماید: چیزی که دین عهدمدار آن است، عبارت است از بیان اینکه برای انسان سعادت است حقیقی، نه موهوم، و این سعادت را نمی توان به کف آورد، مگر به وسیله خضوع در برابر مافوق الطبیعه و قناعت نکردن به تمتعات مادی...^۲

اینک آنچه پیش روی اصحاب اندیشه و اشراق، ارباب فکر و ذکر، مردان میدان معرفت و حیانی، اهالی عقل و عشق و صاحب نظران و صاحب بصیران است تراوشات خامه خام این کوچک ترین و کمترین عرصه عرفان و حیانی است که سال ها ذهن و زبانش رهن عرفانی است که بر خاسته و پر ساخته کتاب و سنت یا معارف قرآن و عترت است و چون علامه محمد حسین طباطبائی رحمته الله را نقطه اوج اصطیاد و استنباط عرفان و حیانی یافته و *المیزان فی تفسیر القرآن* که در حقیقت «ام الکتاب» علامه است، *رسالة التوحید*،

۱. طباطبائی، *المیزان*، ج ۶، ص ۲۰۸-۲۹۸.

۲. همان، ص ۲۹۸.

رسالة الولاية، رسالة الاسماء، شيعه (محاضرات و مکاتبات علامه با هانری کربن فرانسوی) و مجموعه کتب و رسائلش را متنی متین و منبعی قوییم و دائرةالمعارفی غنیم در ساحت عرفان ناب اسلامی دانسته و در واقع علامه که حلقه وصل و وارث حکمت و عرفان وحیانی (اهل بیتى — شیعی) و سلوک ثقلینی از صدر اسلام تاکنون می باشد را تکیه گاه مطمئن در حرکت بر صراط مستقیم سلوک علمی و عملی ساحت عرفان قرار دهیم. بنابراین مقالاتی را که طی دهه اخیر در موضوع عرفان در *المیزان*، علامه طباطبائی و عرفان شیعی، مبانی عقلی عرفان عملی، ولایت شناسی و امکان راهیابی به مقام ولایت با استفاده از اندیشه های زلال علامه به رشته نوشته درآمد را سامان دهی نموده تا تمهید مقدمه ای بر کشف و تولید عرفان وحیانی باشد؛ بنابراین ممکن است مقالاتی که طی چند سال گرد هم آمده اند مباحث تکراری و شواهد مکرر نیز داشته باشند که از محضر خوانندگان فرهیخته عذرخواهی می نمایم.

بایسته است از اندیشه ور ارزشمند، محقق معارف حدیثی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مدیر محترم و مکرم مؤسسه انتشارات امیرکبیر، برادر گرامی جناب آقای برازش عزیزم که زمینه چاپ و نشر اثر حاضر را فراهم ساخته اند کمال تشکر را داشته باشم.

امید است منظور نظر اهالی عرفان، مقبول بارگاه ربوبی و درگاه حق سبحانه و مرضی ساحت قدسی بقیة الله الاعظم علیه السلام قرار گرفته، زادرام سفر ابدی و توشه حیات جاودانه این فقیر و حقیر سراپا قصور و تقصیر و عید ذلیل آن رب عزیز قرار گیرد، بمنه و کرمه.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی العالمين علیهم السلام

قم: محمدجواد رودگر

۹۳/۱۰/۲۱